

انگیزه نگارش این کتاب در درس «تاریخ اجتماعی شیعیان» در دوره سطح سه تاریخ اهل بیت علیهم السلام در مؤسسه آموزش عالی امام رضا علیه السلام (وابسته به دفتر تبلیغات اسلامی) در ذهن نویسنده محترم شکل گرفت و در فضای دروس دوره کارشناسی ارشد رشته تاریخ اسلام دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام قوام یافت و در سال ۱۳۹۲ با عنوان «تاریخ اجتماعی شیعه در الکافی» به انجام رسید.

این کتاب به جای آن که یک کتاب راهنما در قالب گزاره‌های هنجاری برای زیست دین‌دارانه در زمان حاضر باشد، گزارشی است در قالب گزاره‌های اخباری از زندگی دین‌داران در زمان گذشته.

در همین جا سزااست بدین نکته نیز اشارتی رود که از جمله ویژگی‌های مثبت این اثر، بهره تاریخی از تعداد بسیار زیادی حدیث است. وقتی «حدیث» به مثابه یک گزاره تاریخی مورد استناد تاریخ‌پژوه قرار می‌گیرد، آنچه اهمیت می‌یابد ارزش و میزان واقع‌نمایی آن و آینه واقعیات شدن آن است که با صحت صدور و نوع دلالت - که دغدغه اصلی حدیث‌پژوهان است - است تفاوت دارد، هرچند هم‌پوشانی‌هایی نیز با آن دارد. از نظر تاریخ‌پژوه، حتی یک حدیث صددرصد جعلی که هیچ اعتبار حدیث‌شناختی و در نتیجه فقهی ندارد، می‌تواند در بردارنده آگاهی‌های سودمند تاریخی باشد؛ برای مثال اگر برخلاف مسلمات دینی، حدیثی در جواز استفاده از پوست سمور در لباس نمازگزار وجود داشته باشد، این حدیث از نگاه یک حدیث‌شناس نه به راستی از معصوم علیه السلام صادر شده است و نه مدلول آن شایسته اعتناست، ولی همین حدیث از نظر تاریخ‌پژوه، چندین دلالت تاریخی قابل اعتماد دارد؛ از جمله این‌که: در زمان جعل این حدیث، صنعت دباغی پوست سمور، وجود داشته است و نیز در محیط‌های زندگی

مسلمانان دست‌رسی به سمور و یا پوست آن وجود داشته است و نیز افرادی بوده‌اند که برای جواز استفاده از پوست سمور، انگیزه جعل حدیث داشته‌اند و یا جا‌اعلان حدیث حتی برخلاف مسلمات دینی از سر غفلت یا جسارت، حدیث جعل می‌کرده‌اند. این‌گونه دلالت‌های احادیث وقتی از منظر زیست اجتماعی مورد توجه قرار گیرد، بسیار گسترده و فراوان است. بنابراین، نقد تاریخ اجتماعی برگرفته از احادیث، براساس معیارهای حدیث‌شناسی مانند جواز استفاده یا عدم استفاده از خبر واحد و یا ابهام در مؤلف واقعی یک کتاب مثلاً روضه کافی در واقع نقد یافته‌های یک علم با معیارهای یک علم دیگر است که نزد ارباب علم پذیرفته نیست.

کتاب حاضر محورهای زیر را در دوازده فصل با باریک‌بینی و دقتی ستودنی بررسی کرده است: کنش‌های شخصی شیعیان، کنش‌های شیعیان در تعامل با مردم و محیط زیست، معاشرت عمومی، معاشرت با گروه‌های خاص، تعامل با اهل بیت علیهم‌السلام، تعامل با پیروان دیگر ادیان و مذاهب، تعامل با محیط زیست، نظام کار و معیشت، تعامل با جهان غیرمادی، مناسک و عبادات. هریک از محورها، خود به محورهای فرعی تقسیم شده است؛ برای نمونه، حوزه کنش‌های شخصی شیعیان، شامل پنج محور فرعی تغذیه، پوشاک، بهداشت و سلامت، مسکن و سرانجام تفریح و اوقات فراغت می‌شود. این محورها نیز، باز دربردارنده محورهای فرعی‌ترند. بی‌تردید این نگاه گسترده به زندگی اجتماعی شیعیان در سده‌های نخست هجری، کاری است کم‌سابقه.

نویسنده کتاب، آقای سیدمحمد مهدی موسوی‌نیا، دانش‌آموخته دانشگاه باقرالعلوم علیه‌السلام و هم‌زمان طلبه حوزه علمیه قم است. او و دوستان آشنا و ناآشنای هم‌ترازش از جمله دستاوردهای امیدبخش حوزه علمیه

در زمانه پرهیا هوایی هستند که برخی مایل اند علم به کنار رانده شود و صدهای بلند، میدان داری کنند. اگر این رویش های امیدوارکننده نبود، پاره ای ریزش های علمی و لغزش های اخلاقی بذر نومییدی بر دل می افشاند. کامیابی و بالندگی این نسل نورسته دین دار، خردگرا و دردمند را با همه وجود از خداوند متعال می خواهیم.

محمی الدین کافیجی (متوفای ۸۷۹ ق.) در بخش دوم از کتاب پرآوازه *المختصر فی علم التاریخ* (ص ۷۴ - ۷۵)، انسان ها را به سه دسته بالا، میانه و پایین تقسیم می کند و پیامبران را در طبقه برتر قرار می دهد و طبقه میانی را ویژه اولیا، مجتهدان و نیکوکاران می سازد و طبقه فروتر را از آن دیگران. وی انحصار طبقات اجتماعی به این سه دسته را امری تقریباً بدیهی می شمرد که با اندک اندیشه و درنگی، درستی آن آشکار می شود. از نظر او، این سه طبقه و اجزای آن، اجمالاً شناخته شده است، ولی آگاهی از جزئیات هریک از اجزای این سه طبقه و تاریخ نگاری آن، کاری است در غایت دشواری که جز با جانفشانی «لَمْ تَكُونُوا بِالْغِيَةِ إِلَّا بِشِقِّ الْأَنْفُسِ»<sup>۱</sup> به دست نمی آید. تاریخ نگاری اجتماعی به هر اندازه که از زمان حال فاصله می گیرد، مصداق این سخن اوست. آثاری هم چون کتاب پیش رو را باید آثاری پیشرو برای شناخت زندگی توده های شیعیان شمرد که با تحمل دشواری نگاشته شده اند، ولی راه را برای پژوهش های بعدی هموار کرده اند.

محسن الویری

مدیر گروه تاریخ دانشگاه باقرالعلوم

۱. نحل، آیه ۷.